چهره

محمد کارت امسال برای سینما «سوپرایز» دارد

ایسنا: محمد کارت از پایان نگارش فیلمنامه سینمای «سوپرایز» با همکاری احسان عبدی پور خبر داد. کارگردان فیلم سینمایی «شنای پروانه» که سال گذشته فیلمش در جشنواره فیلم فجر از رکورددارانِ کسب سیمرغ بود و سیمرغ مردمی، صدابرداری و صداگذاری، تدوین، نقش مکمل زن و نقش مکمل مرد را گرفت درباره فعالیت جدید خود گفت: از اواخر بهمن سال گذشته به همراه احسان عبدی‌پور یک فیلمنامه سینمایی نوشتیم با عنوان «سوپرایز» که کارگردانی آن را خودم انجام خواهم داد و به تازگی نسخه اولیه آن آماده شده است. این فیلم به زودی وارد مراحل بعدی خواهد شد. این فیلم‌ساز درباره مضمون و موضوع مختصر توضیح داد: این فیلمنامه فضایی بسیار متفاوت از «شنای پروانه»دارد و یک گروتسک اجتماعی‌ست. بافت آن در جنوب شهر روایت می‌شود اما نه آن جنوب شهری که تا کنون دیده‌ایم. کارت توضیحات بیشتر درباره فیلمش را به بعد موکول کرد. قرار بود «شنای پروانه» در اکران نوروزی به نمایش درآید اما شیوع کرونا و تعطیلی سینماها باعث عدم اکران این فیلم شد.

اتفاق

«سه‌نقطه» جدید منتشر شد

ایسنا: دوازدهمین شماره از مجله طنز «سه‌نقطه» منتشر شد. این شماره از «مکتوب طنز [جد] فارسی سه‌نقطه» با مطالب «سراسری اهل قلم»، «تهرانشهر»، «پرونده: امید در روزگار کووید ۱۹»، «تعطیلات خود را چگونه گذراندید؟»، «درباره طنز»، «نیمخط» و ... همراه است. در بخش «سراسری اهل قلم» «در تمشیت امور کروتینایی» نوشته علی‌اکبر قاضی‌زاده، «تا رعیت قرنطینه‌آموز» نوشته یوسفعلی میرشکاک، «رینگ خونین» نوشته سیدمحمد صاحبی، «آگاهی سفتاویرو» نوشته کورش علیانی، «عیسای آمریکایی‌ها و مولا علی ایرانی‌ها» نوشته محمدحسین جعفریان و «پاساژ سس تکنفره، جیغ لنت ترمز» نوشته افشار مقدم آمده است. همچنین بخش «تهرانشهر» با مطالبی از فریدون مجلسی، سیدکبیر میرجعفری، سعید مروتی و ... و بخش «پرونده» با مطالبی از فریدون صدیقی، وحید عظیمی، احسان رضایی و... همراه است. طنز این شماره از «سه‌نقطه» را نیز محمود فرجامی، اسماعیل امینی و فاطمه فهیمی نوشته‌اند. دوازدهمین شماره از مجله طنز «سه‌نقطه» با مدیریت هنری محمد صمدی، مدیریت داخلی شیما جوهرچی و سردبیری مرتضی کاردر با قیمت ۳۴هزار تومان منتشر شده است.

یک قرن «دوستت دارم» در «وزن دنیا»

ایسنا: شماره ششم مجله «وزن دنیا» با مروری بر یک قرن شعر عاشقانه ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹ با تیتر یک «از دوستت دارم» منتشر شد. در این شماره «وزن دنیا» می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، آذربایجان غربی، البرز، ایلام، خوزستان و سمنان شعر بخوانیم. علاوه بر شعر این استان‌ها، دو بخش «همزبانان» و «کارگاه وزن دنیا» بازتاب‌دهنده شعرهای شاعران کشورهای فارسی‌زبانی همچون افغانستان و تاجیکستان و شاعرانی از کشورهای دیگر است که به زبان فارسی شعر می‌نویسند و بخش دوم، منعکس‌کننده شعرهای ارسالی مخاطبان مجله است. در بخش «تعریف و تبصره» این شماره، پرونده‌ای می‌خوانید درباره مروری بر یک قرن شعر عاشقانه ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹. از شاعرانی که در این پرونده به شعرهای عاشقانه آن‌ها پرداخته شده می‌توان به نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، فریدون توللی، نادر نادرپور، شاملو، فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، م آزاد، نصرت رحمانی، یدالله رویایی، حمید مصدق، منوچهر آتشی، محمدعلی سپانلو، خسرو گلسرخی، اسماعیل خویی، احمدرضا احمدی، بیژن الهی، رضا براهنی، حسین منزوی، شهریار قنبری، اردلان سرفراز، محمد مختاری، سیدعلی صالحی، علی باباچاهی، شمس‌لنگرودی، ایرج جنتی‌عطایی و گرانمار موسوی اشاره کرد. در این بخش گفت‌وگویی با علی باباچاهی درباره شعر عاشقانه در ایران و کتاب «عاشقانه‌ترین‌ها»یش منتشر شده است. همچنین در میزگردی با حضور محمدرضا اصلانی، حافظ موسوی، مهری بهفر و آتفه چهارمحالیان به بررسی شعر عاشقانه امروز ایران و پهنه معانی و مفاهیم آن پرداخته شده است.

ادامه اعتراض به «خاک‌سپاری در مزار مهرداد بهار»

ایسنا: خانواده مهرداد بهار در واکنش به خاک‌سپاری امیرکاووس بالازاده در مزار این نویسنده و اسطوره‌شناس می‌گویند: طبق سند مالکیت محل مزار، در این محل جز وابستگان مرحوم پدر، دفن شخص دیگری مجاز نیست. ماجرا از آن‌جا شروع شد که چهرزاد بهار - دختر ملک‌الشعرا بهار و خواهر مهرداد بهار - که چند روز پیش بر سر مزار برادرش در قطعه هنرمندان بهشت زهرا رفته بود، در روایت این دیدار نوشت: باید بگویم از دیدن مزار برادرم سخت شگفت‌زده شدم، چون سنگ مزار او را بدون اجازه خاندان بهار عوض کرده‌اند و کسی را که نمی‌شناسم بر روی مزار مهرداد به خاک سپرده‌اند؛ با کدام مجوز بر روی مزار مهرداد بهار کس دیگری را به خاک سپرده‌اند؟ این پرسشی است که از مدیران محترم شهرداری تهران و بهشت زهرا خواستار جواب آن هستم؛ با کدام مجوز به شما چنین حقی داده شده که بدون اجازه خانواده مرحوم، کس دیگری را روی قبر او به خاک بسپارید؟ آیا هرگز از خانواده بهار اجازه گرفته بودید یا به میل خود این اجازه را داده‌اید؟ من این را تجاوز به حریم دیگران می‌دانم و هرگز چنین کسانی را نمی‌بخشم. آیا ملک‌الشعرا بهار، شاعر بزرگ ایران و فرزند دانشمند او دکتر مهرداد بهار، استاد ایران باستان و اسطوره‌شناس برجسته، دست‌کم از این حق برخوردار نیستند که به آن‌ها احترام گذاشته شود؟

اما در واکنش به این موضوع، سحر قدیمی، مترجم و همسر دکتر امیرکاووس بالازاده، که پیکر همسرش در مزار مهرداد بهار به خاک سپرده شده است، نوشت: قطعه هنرمندان بهشت زهرای تهران، مالکیت شخصی ندارد، ملکی دولتی است که درگذشتگان با توجه به سابقه علمی و فرهنگی و هنری و پس از بررسی دستاوردهای حرفه‌ای و با نظر گروهی از کارشناسان و اجازه مستقیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن‌جا به خاک سپرده می‌شوند. طبعاً چنین اشخاصی متعلق به چند نفر و یکی دو خانواده نیستند؛ جزیی از فرهنگ این دیار هستند و در دل و ذهن آدم‌های بسیاری زنده. از این رو، شخصی کردن چنین موضوعی و نادیده گرفتن واقعیات و داوری‌های احساسی پسندیده نیست؛ مخصوصاً گروهی از ما که خود را اهل ادب و دانش و تفکر می‌دانیم.

در ادامه، کاوه بهار - فرزند مهرداد بهار - نیز در نوشتاری، نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و عنوان کرده است: طبق سند مالکیت محل مزار نیز در این محل جز وابستگان مرحوم پدرم، دفن شخص دیگری مجاز نیست.

لازم به تذکر است که همسر پدرم، خانم دکتر زهره سرمد، مدت‌هاست ساکن ایران نیستند و از سال ۱۳۹۶ که برای آخرین‌بار از ایران خارج شده‌اند به هیچ‌وجه با ایشان مذاکره‌ای دراین‌باره به عمل نیامده است. خواهر و برادر کوچکتر این‌جانب خانم فرغانه بهار و آقای میلاد بهار نیز در این مورد با کسی تماس نداشته‌اند و با آنان مذاکره‌ای به عمل نیامده است.

اینجانب و سایر وابستگان و شاگردان مرحوم پدرم انتظار داریم جنازه فرد ثانی از این محل به محل مناسب دیگری منتقل شود و سنگ مزار نیز به شکل سنگ مزار اصلی مجددا در محل نصب شود.

محمد رحمانیان:

چوب اعتمادمان را می‌خوریم

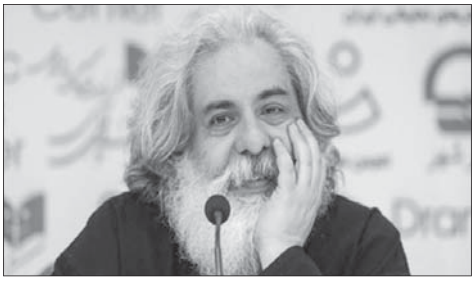

ایسنا: محمد رحمانیان درباره پخش فیلم تئاترهایش در چند VOD داخلی و خارجی با اشاره به اینکه از این کار بی‌اطلاع بوده است، گفت: ما اعتماد کردیم و حالا باید چوب این اعتماد را بخوریم. پس از آنکه چند نفر از کارگردان‌های تئاتر از پخش و فروش فیلم تئاترهای خود در سامانه‌های VOD ابراز بی‌اطلاعی و گله کردند و مدیران مرکز بتهوون و سایت تیوال هم توضیحاتی درباره نحوه پخش و فروش فیلم تئاترها ارائه دادند، کارگردان نمایش «ترانه‌های قدیمی» که نسخه تصویری نمایش او، هم در سامانه‌های اینترنتی ایرانی و هم در یک کانال یوتیوب در کنار تعداد قابل توجهی دیگر از فیلم تئاترها منتشر شده است، به این اتفاق اعتراض کرد.

محمد رحمانیان در یادداشتی، نوشته است: «به قول نجف دریابندری عزیز؛ این چند جمله را فقط برای ثبت در تاریخ می نویسم... فقط برای ثبت در تاریخ. بنابراین از آنجا که می‌خواهم این ثبت و ضبط قابل چاپ و انتشار باشد، از واژه هایی چون «سه نقطه» و «شش نقطه» استفاده کرده ام و مطمئن هستم مضارعان و مستقبلان برای این عبارت‌های نقطه‌دار جایگزین‌های مناسبی خواهند یافت. باری...

روز سه شنبه ششم خرداد ۹۹، گزارشی در ایسنا منتشر شد درباره فروش و بارگذاری آثار تئاتری در vod و بی اطلاعی گروه‌های تئاتری به عنوان صاحبان اصلی اثر، یعنی کسانی که حتی یک پول سیاه هم بابت فروش آثارشان به آنان پرداخت نشده است. این گزارش در ضمن شامل مصاحبه هایی هم بود با ایّوب آقاخانی عزیز و لیلی رشیدی دوست داشتنی و محمد یعقوبی گرامی و من کمترین، که در آن همگی بی‌اطلاعی محض خود را از این دادوستد به صدای بلند اعلام کرده بودیم.

پس از خواندن متنِ کامل گزارش ایسنا و مصاحبه ها، کاملاً مطمئن شدم، محترمانه‌ترین نامی که بر روی این رفتار می‌توان گذاشت «سه نقطه» است.

امّا فردای آن روز یعنی چهارشنبه هفتم خرداد ۹۹، دریافتم قضاوتِ زودهنگام چه رفتار ناپسندی است و از اینکه برچسب «سه نقطه» را به آن معامله زده بودم پیش خود شرمنده شدم. چرا که طیّ خواندن توضیحاتِ دو سوی این سوداگری هفتاد/ سی، دریافتم حدود نیمی از آثاری که بی‌اجازه صاحبان اثر، در vodها به اشتراک گذاشته شده مربوط به دورانی است که شرایط پخش از طریق vod وجود نداشته، اما در قراردادها بندی گنجانده شده که با تکیه بر آن پخش‌کننده حق دارد، از همه راه‌های پخش، از جمله پخش اینترنتی استفاده کند و بر طبق آن، اجازه انواع درآمدزایی از آن اثر به پخش‌کننده منتقل شده است. این جا باید که دریافتم صفت «سه نقطه» چندان زیبنده این رفتار نبوده و نیست و بهترین حالتی که بر این نوع درآمدزایی می‌توان اطلاق کرد، واژه «شش نقطه» است. در واقع ما مُشتی جاهل و نادان از همه جا بی‌خبر بودیم - و شاید هم هستیم - که بر پایه اعتماد متقابل، زیر برگه ای را امضا کردیم که طرف دیگر قرارداد می‌تواند بر اساس آن همه حقوقِ اشکال مختلف پخش و توزیع را در اختیار بگیرد و حقّ هیچ خلوص نوع درآمدزایی برای خود قائل شود... و موضوع دقیقاً همین جاست...

آقایان سابقاً محترم! ما نویسنده و کارگردانیم! ما هنرمندیم! ما سرو کارمان با واژه و اجرا و خلاقیّت است! ما از مناسبات این سوداگری بدنام بی‌اطّلاع بودیم. شما ما را فریب دادید! چرا که نمی‌دانستیم vod و ساز و کارش چیست و چگونه است و راهکارش کدام است و به کجا می انجامد، امّا شما می دانستید! شما خبر داشتید! شما از چهل ما بر این قرارداد آگاه بودید و دقیقاً به سیاق مؤسّسات مالیِ «شش نقطه» عمل کردید. ما نادان بودیم و به شما اعتماد کردیم و حالا باید چوب این اعتماد را بخوریم. پس از آنکه چند جزء از کارگردان‌های تئاتر از پخش و فروش فیلم تئاترهای خود در سامانه‌های VOD ابراز بی‌اطلاعی و گله کردند و مدیران مرکز بتهوون و سایت تیوال هم توضیحاتی درباره نحوه پخش و فروش فیلم تئاترها ارائه دادند، کارگردان نمایش «ترانه‌های قدیمی» که نسخه تصویری نمایش او، هم در سامانه‌های اینترنتی ایرانی و هم در یک کانال یوتیوب در کنار تعداد قابل توجهی دیگر از فیلم تئاترها منتشر شده است، به این اتفاق اعتراض کرد.

محمد رحمانیان در یادداشتی، نوشته است: «به قول نجف دریابندری عزیز؛ این چند جمله را فقط برای ثبت در تاریخ می نویسم... فقط برای ثبت در تاریخ. بنابراین از آنجا که می‌خواهم این ثبت و ضبط قابل چاپ و انتشار باشد، از واژه هایی چون «سه نقطه» و «شش نقطه» استفاده کرده ام و مطمئن هستم مضارعان و مستقبلان برای این عبارت‌های نقطه‌دار جایگزین‌های مناسبی خواهند یافت. باری...

روز سه شنبه ششم خرداد ۹۹، گزارشی در ایسنا منتشر شد درباره فروش و بارگذاری آثار تئاتری در vod و بی اطلاعی گروه‌های تئاتری به عنوان صاحبان اصلی اثر، یعنی کسانی که حتی یک پول سیاه هم بابت فروش آثارشان به آنان پرداخت نشده است. این گزارش در ضمن شامل مصاحبه هایی هم بود با ایّوب آقاخانی عزیز و لیلی رشیدی دوست داشتنی و محمد یعقوبی گرامی و من کمترین، که در آن همگی بی‌اطلاعی محض خود را از این دادوستد به صدای بلند اعلام کرده بودیم.

سیروس الوند:

زندگی «آنلاین» سرنوشت محتوم امسال است

ایسنا: سیروس الوند که فیلم جدید خود را برای اکران آنلاین آماده می‌کند، معتقد است انجام بسیاری از کارها به صورت آنلاین، از اکران گرفته تا مراسم ختم، سرنوشت محتوم امسال ماست و شاید به زودی عقد و عروسی آنلاین هم داشته باشیم.

این کارگردان سینما درباره زندگی در روزهای کرونایی گفت: در این روزها خودم بیشتر سرگرم رمان‌های نخوانده و کار روی دو فیلمنامه بودم. تعدادی از فیلم‌های کلاسیک و قدیمی را هم دوباره تماشا کردم و دوست داشتم ببینم بعد از سال‌ها چه حسی نسبت به آن‌ها دارم. آیا همان شور و علاقه را برایم ایجاد می‌کنند؟ برای همین آثاری از هیچکاک و چند فیلمساز خارجی دیگر را تماشا کردم و از بین فیلم‌های ایرانی نیز سراغ کارهای فرخ غفاری و مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی و ... رفتم. از بین این‌ها برایم جالب بود که فیلمی مثل «دایره مینا» همچنان یک فیلم قوی است، همینطور «قیصر» و «داش آکل» که هنوز جذاب هستند ولی «زنبورک» فرخ غفاری دیگر آن حس و حال را برایم نداشت.

الوند درباره اینکه آیا فیلم‌های قدیمی خودش را هم دوباره تماشا کرده؟ با خنده ادامه داد: از بین فیلم‌های خودم «فریاد زیر آب» را دیدم و به نظرم رسید همچنان جذاب است.

او که قصد دارد کلاس‌های آنلاین فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی و بازیگری خود را به زودی برگزار کند، درباره اکران آنلاین فیلمش و نیز برخی نظرسنجی‌ها که نگرانی مردم را از رفتن به سینما نشان می‌دهد، بیان کرد: کلا با این وضعیت فکر می‌کنم در آینده شاهد باشیم که عقد و عروسی هم آنلاین برگزار شود و مهمان‌ها از خانه خود، عروس و داماد همراهی کنند. این اواخر کلی مراسم ختم به صورت آنلاین برگزار شد که یکی از آن‌ها مربوط به مرحوم سیامک شایقی بود و من هم از منزل در آن صحبت کردم. پس چرا عقد و اکران فیلم و ... آنلاین نشود؟

کارگردان «چهره»، «یک بار برای همیشه» و «مزاحم» افزود: در شرایط فعلی حتی اگر سینماها باز شوند با توجه به اینکه اعلام شده ۴۰ درصد ظرفیت، بلیت فروشی می‌شود و ۵۰ درصد فروش آن هم از ما گرفته می‌شود و نیز تعداد زیادی فیلم که پشت اکران مانده، به نظرم همین اکران آنلاین کمک می‌کند تا فیلم‌هایی که بعدا در سینماها اکران می‌شوند وضعیت بهتری داشته باشند. ما تجربه کرده‌ایم که وقتی فیلم زیادی در صف اکران باشد خیلی زود هم جابه جا می‌شوند و حتی در یک سالن فقط یک سانس داده می‌شود چون فیلم‌های دیگری هم هستند. من خودم یادم می‌آید وقتی فیلم «این سیب هم برای تو» اکران شد، بهترین سینمای ما «آزادی» بود ولی چون هفت یا هشت فیلم دیگر هم روی پرده بودند، فقط یک سانس در اختیار داشتیم. اسمش این بود که در سینما آزادی اکران داریم ولی با همان تک سانس شناور اگر کسی می‌خواست سینما بیاید نمی‌دانست چه ساعتی باید بیاید.

قصه‌های کهن ایرانی در فضای مجازی

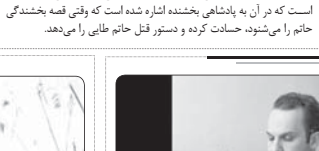

ایسنا: مجموعه نقل‌های کوتاه ویژه گروه‌های سنی مختلف با نقالی هنرمندان این عرصه در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حال تصویربرداری و تدوین است تا به‌زودی در فضای مجازی منتشر شود. در ادامه تعطیلی سالن‌های تئاتر و سینما به دلیل شیوع بیماری کرونا، اداره کل امور سینمایی و تئاتر کانون از سه هنرمند نقال دعوت کرد تا داستان‌های ایرانی کهن را به‌شیوه نقالی روایت کنند.

بر اساس این گزارش، محمد معجونی در اولین نقل خود داستان «قنبر فتاح» را روایت می‌کند. این روایت داستان تلاش قنبر برای جنگ با حضرت علی (ع) است که در نهایت قنبر با شناخت از آن حضرت، در زمره مریدان ایشان قرار می‌گیرد و سال‌ها با او زندگی می‌کند.

بر همین اساس نقل «تیمور لنگ و حمله او به ایران»، داستان «قوچه سگزی و نبرد با رستم» و روایت «بیژن و منیژه» سه نقل دیگری است که از سوی معجونی در این طرح روایت خواهد شد.

امیرحسین انصافی دیگر هنرمند نقال نیز با روایت سه نقل، قصه «حمال تبریزی»، «پیر چنگی» و «کشتی نوح» علاقه‌مندان را به شنیدن داستان‌های ایرانی دعوت می‌کند. انصافی در نقل «حمال تبریزی»، حکایتی از خلوص بندگی یک حمال و خواسته او از خدا و اجابت تمنایش را نقل می‌کند. «پیر چنگی» حکایت مطرب خوش آوازه‌ای است که جز خدای خود کسی را ندارد و روایت قصه حضرت نوح (ع) و ساختن کشتی برای نجات موجودات جهان از عذاب، دیگر نقالی او است. در همین حال قهیمه باروتجی با نقل «طوطی و مرد بقال» به روایت داستان شربتن طوطی سخن‌گو و شکستن شیشه روغن برای کودکان می‌پردازد. هم‌چنین او داستان شفا یافتن «مرد کور»، قصه مرد تهی‌دستی را نقل می‌کند که از ثروتمندی طلب غذا کرده ولی مورد بی‌مهری واقع می‌شود اما مرد نابینایی همان فقیر را کمک کرده و دعای مرد فقیر نور را به چشمان مرد نابینا برمی‌گرداند. قصه «حاتم طایی» دیگر نقالی این هنرمند است که در آن به پادشاهی بخشنده اشاره شده است که وقتی قصه بخشندگی حاتم را می‌شنود، حسادت کرده و دستور قتل حاتم طایی را می‌دهد.

یارمهربان

سرگذشت خیابان سی تیر به رشته تحریر درآمد

ایسنا: «سرگذشت یک خیابان؛ سیر شکل گیری خیابان سی تیر» توضیح داد: بافت‌های تاریخی شهرها میراثی گرانقدر هستند که در هویت بخشی به حیات شهری در طول تاریخ نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. این قسمت از شهر تجلی گاه ابعاد فرهنگی- اجتماعی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را ثبت کرده‌اند. مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران با اشاره به این که در راستای باز آفرینی شهرها، شناخت و مستندنگاری بافت تاریخی در درجه اول اهمیت قرار می گیرد، تصریح کرد: کتاب «سرگذشت یک خیابان؛ سیر شکل گیری خیابان سی تیر» با بررسی دقیق سیر شکل‌گیری خیابان سی تیر از زمان قاجار تا به امروز به ثبت وقایع تاریخی، شناخت و معرفی بناهای با ارزش محدوده و نحوه شکل‌گیری بافت محله پرداخته است. علی اکبری یادآور شد: این کتاب حاصل چهار سال پژوهش مریم میرزایی دانش آموخته رشته معماری و تهران پژوه است که به همت سازمان نوسازی شهر تهران و توسط انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا منتشر شده است.

کلاکت

جدیدترین ساخته تورج اصلانی در آخرین مراحل فنی

ایسنا: فیلم سینمایی «بی سرزمین» به کارگردانی تورج اصلانی و با نقش‌آفرینی ترکیبی از بازیگران ترکی، سوری، عراقی و اقلیم کردستان در آخرین مراحل فنی قرار دارد. طبق گزارش رسیده، فیلم سینمایی «بی سرزمین» (بی نیشتمان) Landless به تهیه‌کنندگی و کارگردانی تورج اصلانی و محصول کشور عراق؛ بعد از اتمام فیلمبرداری در شهرهای سلیمانیه و حلبچه در اقلیم کردستان عراق، هم اکنون در آخرین مراحل فنی قرار دارد. در فیلم سینمایی «بی سرزمین» سومین ساخته تورج اصلانی؛ ترکیبی از بازیگران کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و اقلیم کردستان در آن به چهار زبان کُردی، ترکی، عربی و فارسی به ایفای نقش پرداخته‌اند. تورج اصلانی در سمت مدیر فیلمبرداری سال‌ها در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی حضور داشته و جوایز جهانی را از آن خود کرده است؛ «بی سرزمین» سومین فیلم بلند سینمایی این کارگردان سینمای ایران بعد از: «حمال طلا» Gold Runner و «جینگو» (روایت معلق) GINKGO به‌شمار می‌رود. فیلم سینمایی «حمال طلا» در نخستین حضور بین‌المللی خود در بخش رقابتی اصلی «جریان‌های نو» New Currents در بیست و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «پوسان» Busan در کشور کره جنوبی روی پرده رفت و کاندید جایزه بهترین فیلم اول و دوم بود و در ادامه، در بخش رقابتی «سینمای جهان» World Cinema در هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «دهوک» Duhok در اقلیم کردستان عراق به نمایش درآمد و تورج اصلانی برای کارگردانی آن، جایزه «استعداد تازه» New Talent را گرفت و از طرف اعضای هیئت داوران، تندیس طلایی «برگ مو» و لوح افتخار به این سینماگر اهدا شد. این اثر سینمایی در ادامه حضورهای جهانی خود در بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم «چاترپاتی شیواجی» Chhatrapati Shivaji در کشور هندوستان روی پرده رفت و جایزه بهترین فیلمنامه به تورج اصلانی و هادی نادی اهدا شد.

پایان تصویربرداری «یک داستان واقعی»

مهر: مراحل تصویربرداری فیلم کوتاه «یک داستان واقعی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمد توربوریان به پایان رسید. تصویربرداری فیلم کوتاه «یک داستان واقعی» به کارگردانی و تهیه کنندگی محمد توربوریان طی روزهای اخیر در سنندج به پایان رسید و وارد مراحل تدوین شد؛ با پایان مراحل تدوین این فیلم آماده حضور و نمایش در جشنواره های داخلی و بین المللی می شود؛ این فیلم که گویش آن به زبان کردی است داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که توان پرداخت هزینه‌های پزشکی پسر بچه معلول‌شان را ندارند، همین مشکلات باعث می‌شود بدر تصمیم تلخی بگیرد. «یک داستان واقعی» پنجمین تجربه فیلم کوتاه این کارگردان جوان است ۲ فیلم آخر او به نام‌های «پرواز ماهی‌ها» و «حلزون» تاکنون در بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی به نمایش در آمده و موفق به دریافت بیش از ۱۰ جایزه بین‌المللی شده‌اند.

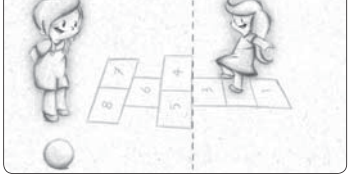

انیمیشن کوتاه ایرانی -این سو آن سو- در جشنواره کودک «هنگ کنگ»

فروش نیم میلیون نسخه از کتاب جدید «بازی های گرسنگی» در یک هفته

آلبوم موسیقی «بازگشت جاودان» به هنرمندی ایمان عنصری منتشر شد

صمد حبیبی از خوانندگان و نعت‌خوان‌های پیشکسوت موسیقی نواحی منطقه تالش دچار عارضه مغزی شد